



تحلیلی بر طرح ادعای ارضی جدید درباره دالان زنگزور

ادعای ارضی جمهوری آذربایجان درباره «دالان زنگزور» با منافع ایران و مفاد توافق قره باغ همخوانی ندارد و می تواند به منزله حذف ایران از تمامی معادلات انرژی و ترانزیتی منطقه قفقاز جنوبی باشد.

خبرگزاری آران نیوز به نقل از خبرگزاری مهر - سید حامد حسینی: سخنان «الهام علی اف» رئیس جمهور آذربایجان در همایش «نگاه نو به قفقاز جنوبی؛ توسعه و همکاری پس از مناقشه» که اخیراً در باکو برگزار شده حاوی نکات درخور توجهی بود. الهام علی اف در پاسخ به سؤال یکی از حاضرین تأکید داشت که جنگ بطور کامل پایان یافته و باکو هیچ برنامه ای برای استفاده از زور برای بازپس گیری مناطق قره باغ ندارد. ولی وی در ادامه بر لزوم بازگشت به دالان «زنگزور» و همچنین «ایروان» سخن گفت. وی همچنین ادامه داد که تا سه سال آینده تمامی زیرساخت های لازم برای بازگشت آوارگان مهیا شده و تمامی آوارگان بعد از بازگشت، استقلال مالی خواهند داشت و تا آن زمان (سه سال آینده) دالان زنگزور مورد استفاده قرار خواهد گرفت. وی همچنین در واکنش به مواضع ایران درخصوص دالان زنگزور اظهار داشت که ایران به هیچ وجه از ارمنستان جدا نخواهد شد و درحقیقت به اندازه معینی خط آهن و جاده در دیوار مرزی وجود خواهد داشت.

اوایل اردیبهشت سال جاری الهام علی اف در ادامه مواضع خود درخصوص ایجاد راه مواصلاتی بین «نخجوان» و آذربایجان در اظهاراتی بی سابقه تأکید کرد: «ما دالان زنگزور را اجرا خواهیم کرد، ارمنستان بخواهد یا نخواهد. اگر بخواهد، آسان تر حل خواهد شد و اگر نخواهد با زور حل خواهیم کرد».

از طرف دیگر «نیکول پاشینیان» نخست وزیر ارمنستان هم در واکنش به مواضع الهام علی اف، از طرح ارمنستان درخصوص معاوضه دالان مغری (زنگزور) با دالان نخجوان سخن به میان آورد. همچنین، ارمنستان بر لزوم خروج این کشور از بن بست و تمایل شدید آن به بازگشایی مرزهای خود با ترکیه پرده برداشت. البته سخنگوی وزارت خارجه ارمنستان نیز در پاسخ به ادعای ارضی رئیس جمهور آذربایجان، ضمن محکوم کردن ادعاهای الهام علی اف، مواضع وی را منافی صلح و آرامش در منطقه عنوان کرد.

با توجه به مواضع اخیر دو کشور درگیر در منطقه قفقاز جنوبی و همچنین وجود یک مولفه قدرت مهم به نام روسیه؛ علیرغم تمامی تحرکات نظامی ترکیه و آذربایجان، بروز مجدد یک جنگ نظامی جدید در منطقه کاملاً دور از ذهن بوده و بسیار بعید بنظر می رسد که طرفین بدنبال ایجاد درگیری جدید باشند. باید توجه داشت که شکست کامل و حذف پاشینیان به ضرر روسیه و حتی ترکیه خواهد بود. چرا که طبق عرف بین المللی با تغییر حکومت ها و انقلاب در یک کشور تمامی توافقات آن حکومت نیز مورد بازبینی قرار می گیرد و بقای دولت پاشینیان به تعبیری ضامن بقای توافق ۹ نوامبر است که به جنگ قره باغ پایان داد. کما اینکه در جریان اقدام شبه کودتای داخلی ارمنستان نیز شاهد آن بودیم که ترکیه بروز هرگونه کودتا در این کشور را محکوم و از تداوم حکومت پاشینیان حمایت کرد. از یک نگاه متفاوت می توان نقش ترکیه و روسیه را در راستای رقابت های این دو کشور از سوریه و لیبی و اوکراین تا قفقاز جنوبی مورد بازبینی قرار داد. ترکیه و روسیه دو روی سکه در تحولات قفقاز جنوبی هستند. البته با این تفاوت که ماهیت تأثیر روسیه در تحولات قفقاز جنوبی عمیق تر از ترکیه است.

در این میان، با روی کار آمدن دولت جدید در آمریکا و نگاه منتقدانه جو بایدن به تحرکات نظامی ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی و بازپس گیری مناطق اشغالی قره باغ، بسیار بعید بنظر می رسد که تیم جدید کاخ سفید نسبت به هرگونه ماجراجویی جدید ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی بی تفاوت باشد. صرفنظر از تمامی اختلافاتی که ترکیه و آمریکا در موضوع مدیترانه شرقی، خرید موشک اس ۴۰۰، کردها، قبرس، مسائل حقوق بشری و غیره دارند، بی تردید هرگونه ماجراجویی جدید ترکیه و آذربایجان، مطابق نظر ایالات متحده نبوده و با واکنش این کشور مواجه خواهد شد، کما اینکه تماس تلفنی وزیر خارجه آمریکا با پاشینیان از سوی محافل آذری، نوعی تغییر موازنه در منطقه قلمداد شده است. البته بازدید سفیر آمریکا در ایروان از استان سیونیک (زنگزور) ارمنستان در هفته گذشته را نیز می توان در همین راستا ارزیابی کرد. همچنین پیش از این نیز دولت بایدن بمناسبت عید نوروز طی یک پیام طعنه آمیز به الهام علی اف، حل مسئله قره باغ را در چارچوب گروه مینسک عنوان کرده بود. لذا بنظر نمی رسد که آمریکا نسبت به هرگونه تحرک جدید در این منطقه بی تفاوت باشد.

درخصوص نقش ترکیه هم باید توجه داشت که این کشور بدنبال ایجاد یک هاب ترانزیتی- انرژی است تا با ایجاد پیوستگی سرزمینی با جمهوری آذربایجان، این کشور را از طریق خاک خود به اروپا متصل کرده تا ضمن تقویت محوریت خود در منطقه، زمینه های ضعیف تر شدن رقبای منطقه ای را فراهم آورد. لذا از همین روی، ترکیه ضمن تلاش برای جلب نظر غرب، سعی در تضعیف مولفه های فشار روسیه در منطقه قفقاز جنوبی و مهار ظرفیت های جمهوری اسلامی ایران دارد. ترکیه بشدت بدنبال افزایش نقش ژئوپلیتیک خود در منطقه قفقاز جنوبی است و سعی دارد از فرصت های پیش رو نهایت استفاده را کرده و ضمن خالی کردن ظرفیت های ژئوپلیتیک رقبای منطقه ای خود، نفوذ خود را در منطقه بسط و گسترش دهد.

مسئله مهم دیگری که نمی توان از آن غفلت کرد؛ سرعت عمل آذربایجان در روز بعد از امضای توافقنامه ۹ نوامبر، نسبت به اسارت نزدیک به ۶۰ نفر از نظامیان ارمنی است که تاکنون با معرفی ایشان به عنوان تروریست، از آزادی آنها خودداری به عمل آورده و تردیدی نیست که آذربایجان از ایشان همانند یک اهرم فشار استفاده کرده و آزادی این گروه از نظامیان ارمنی را در گرو اخذ یک امتیاز سیاسی محقق خواهد ساخت.

نهایت اینکه با توجه به روند کلی تحولات منطقه در خصوص ادعای ارضی جدید آذربایجان نسبت به ارمنستان می توان چنین نتیجه گرفت:

۱. این اقدام با منافع جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد و همچنین باتوجه به حذف جمهوری اسلامی ایران از تمامی معادلات انرژی و ترانزیت منطقه، می بایست جمهوری اسلامی ایران بطور رسمی طرح چنین ادعاهایی را محکوم کند.
۲. تأکید بر ایجاد «دالان زنگزور» با مفاد توافق ۹ نوامبر کاملاً در تضاد است چرا که در این توافقنامه بر رفع انسداد مسیرهای مواصلاتی اشاره شده است، نه ایجاد یک گذرگاه به بزرگی استان سیونیک ارمنستان (زنگزور).
۳. در طول تاریخ دالان یا گذرگاهی به اسم «دالان زنگزور» وجود نداشته و نوعی تحریف تاریخی محسوب می شود، البته طرح چنین ادعاهایی بیشتر در واکنش به انتقادات مخالفین درخصوص وضعیت حقوقی قره باغ بوده و مصرف داخلی دارد.
۴. با توجه به عضویت ارمنستان در پیمان امنیت جمعی، هرگونه تعرض به خاک این کشور با واکنش سایر اعضای این پیمان، از جمله روسیه مواجه خواهد شد.

۵. بنظر می رسد سخنرانی اخیر الهام علی اف نوعی تهدید بوده تا پاشینیان را نسبت به تسریع در بازگشایی کریدور باکو-نخجوان-آنکارا تحت فشار قرار دهد.

۶. طرح هرگونه ادعاهای ارضی جدید، در امتداد منافع رژیم صهیونیستی و گسترش نفوذ سرطانی آن در منطقه است.